

پژوهش و توسعه



کشاورزی در طرح کالبدی ملی^۱

فیروز توفیق - ایرج صدیقان

سالهاست در هر مجلس و محفلی سخن از تخریب زمینهای کشاورزی، یعنی زمینهای مناسب برای زراعت و باغ و جنگل و مرتع، بر اثر توسعه شهرها و صنعت در میان است. زیرا بحق گفته‌اند (و می‌گوییم) که بیشتر شهرهای ما در میانه بهترین و حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی واقع شده‌اند (نقشه ۱) و گسترش آنها لامحاله به انهدام این ثروت ملی می‌انجامد. نکته، اساسی است و جا دارد که همه و همه - و نه فقط مسؤلان - به اهمیت حیاتی این روند پی برند.

گاهی پنداشته‌اند که چون سرزمین ایران پهناور است - وسعت خاکی آن بیش از ۱۶۲ میلیون هکتار است - و زمینهای زیرکشت و آیش آبی و دیم آن طبق آمارها از حدود ۱۸ میلیون هکتار بیشتر نیست، نگرانی محملی ندارد. زیرا ظاهراً ما تنها از ۱۱ درصد زمینهای کشور بهره گرفته‌ایم و می‌پندارند، برای گسترش افقی کشت و کشاورزی زیاد است. این پندار از بیخ و بن غلط است.

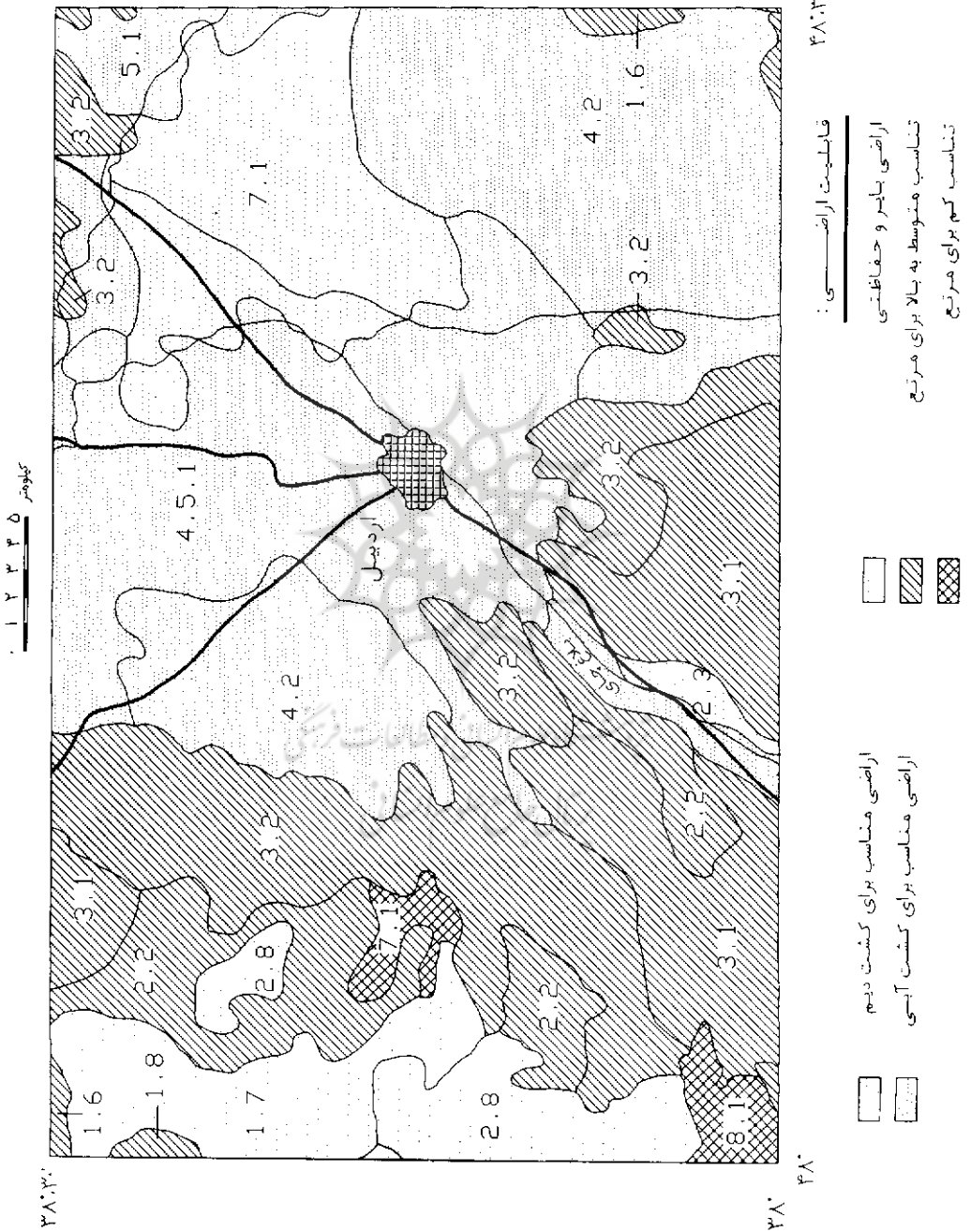
قابلیت زمینها

مؤسسه خاک و آب وابسته به وزارت کشاورزی از سال ۱۳۴۸ به بعد مطالعاتی را زیر عنوان «ارزیابی و قابلیت منابع اراضی» وجهه همت خود قرار داده که هم اکنون تقریباً سراسر سرزمین کشور را پوشش داده است. نقشه‌های حاصل از این بررسیها در چارچوب طرح کالبدی ملی با همکاری کارشناسان همان موسسه هماهنگ شده به نقشه واحدی مبدل شده است. از جمله نتایج این بررسی تشخیص قابلیت واحدهای ارضی برای انواع کاربریهای بخش کشاورزی است. در نقشه ۲ صورت ساده شده این نقشه را برای یکی از مناطق طرح کالبدی ملی (منطقه آذربایجان) آورده‌ایم. چنانکه پیداست در این نقشه زمینهایی که بنابه تشخیص دست‌اندرکاران این مطالعات، قابلیت کشت آبی، باغ، کشت دیم و جنگل، مرتع، حفاظت و جز اینها دارند مشخص شده است. در جدول ۱ نتیجه مساحی نقشه سراسر کشور را نشان داده‌ایم.

حال اگر ارزیابی کارشناسان خاک را درباره قابلیت زمینهای کشور برای مصارف گوناگون معتبر بدانیم، وضع بدین قرار است. در سراسر ایران مساحت زمینهایی که برای کشت آبی، خواه زراعت، خواه باغ، قابلیت دارند از حدود ۱۳ میلیون هکتار یا ۸ درصد کل زمینهای کشور بیشتر نیست. مساحت زمینهای با قابلیت زراعت دیم (عمدتاً غلات) هم، حتی اگر همه زمینهای با قابلیت توأم دیم و مرتع را جزو قابلیت دیم به حساب آوریم، باز از حدود ۱۰ میلیون هکتار تجاوز نمی‌کند. یعنی به اعتبار این مطالعات تنها کمی بیشتر از ۲۳ میلیون هکتار یا ۱۴ درصد زمینهای کشور قابلیت برای کشت آبی و دیم دارد.

زود بگویم که اگر در روش انجام مطالعه ارزیابی اندکی درنگ کنیم، خواهیم دید که شاید زمینهای با قابلیت کشت، کمی بیشتر از آن چیزی باشد که در این نقشه‌ها آمده است. زیرا

نقشه شماره ۱: موقعیت شهر اردبیل در میان زمینهای با قابلیت کشت فاریاب



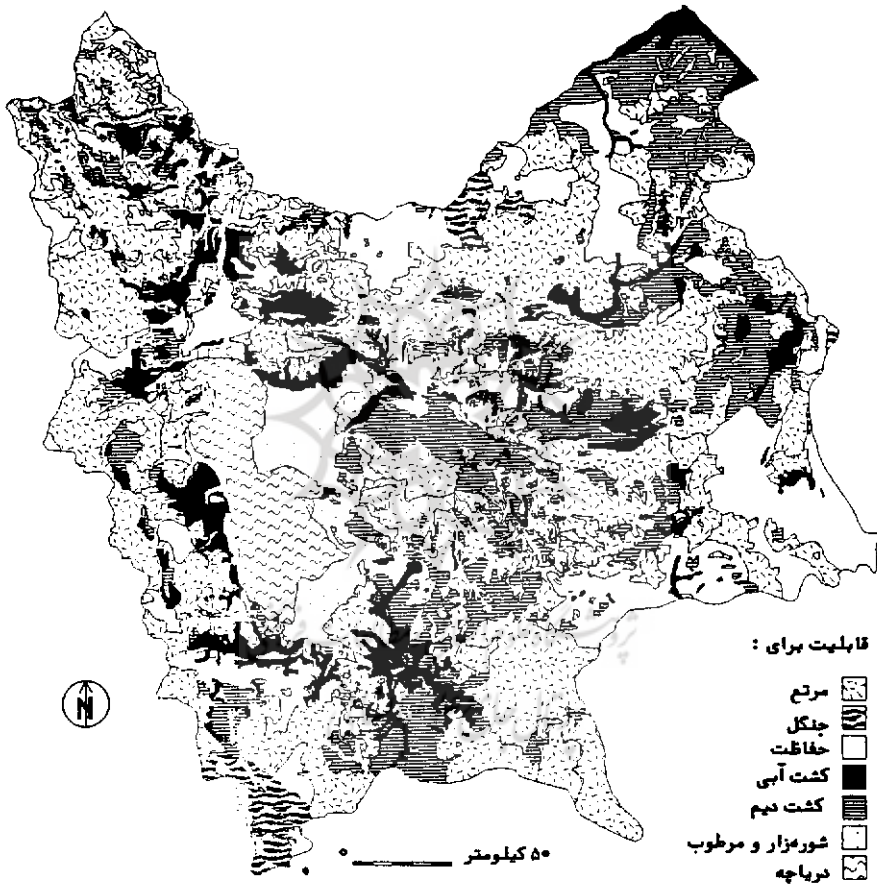
جدول شماره ۱: قابلیت زمینهای کشور براساس مطالعات

«ارزیابی و قابلیت منابع اراضی»

درصد	مساحت (هزار هکتار)	قابلیت برای :
۴/۴	۷،۱۷۵	-زراعت آبی
۳/۷	۵،۹۹۲	-زراعت آبی و درختکاری
۵/۰	۸،۱۴۹	-زراعت دیم
۱/۳	۲،۰۹۱	-زراعت دیم و مرتع
۱/۱	۱،۸۱۴	-مرتع و درختکاری
۲۷/۰	۴۳،۸۱۹	-مرتع
۵/۲	۸،۴۸۴	-مرتع و جنگل
۱/۵	۲،۴۶۴	-جنگل
۴۲/۱	۶۸۳۶۹	-زیستگاه حیات وحش، حفاظت و آبخیزداری
۸/۶	۱۳،۹۳۳	-زمینهای بایر
۱۰۰/۰	۱۶۲،۲۹۰	جمع

در این مطالعات، زمینهایی که در درّه‌های کوهستانی مثلاً کنار رودخانه‌ها قرار دارند و قابل کشت هم هستند، چون در واحدهای تیپ کوه و تپه قرار دارند، جزو زمینهای قابل کشت به حساب نیامده‌اند. افزون براین اگر نقشه‌های تفصیلی تر ارزیابی (اجزای واحدهای اراضی) تهیه

نقشه ۲. قابلیت زمینها در منطقه آذربایجان



شوند، امکان دارد ارقام تغییر کند. اما چقدر؟ به هر حال با توجه به اینکه احتمالاً تا پایان قرن خورشیدی جمعیت کشور به دو برابر میزان امروز خواهد رسید، اهمیت حفاظت زمینهای مولد بیش از پیش آشکار می‌گردد. افزون بر این، برخی از زمینهایی که بالقوه قابل کشت هستند به دلیل دورافتادگی نسبت به منابع آب به آسانی زیر کشت نخواهند رفت.

کاربری و پوشش زمینها

آنچه در بالا گفته شد مربوط به قابلیت اراضی به روایت مطالعات واحدهای ارضی در مقیاس ۱:۲۵۰,۰۰۰ است. افزون بر این، در طرح کالبدی ملی با تفسیر تصاویر سنجنده MSS ماهواره لندست، نقشه کاربری و پوشش کنونی زمینها هم در مقیاس ۱:۵۰۰,۰۰۰ تهیه شده است. نقشه ۲ نمایش خیلی ساده شده کاربری و پوشش زمینهای کشور است.

با اندازه‌گیری مساحت‌های این نقشه می‌توان سطوحی را که در سراسر کشور به کاربری پوششهای گوناگون اختصاص یافته‌اند، سنجید. متناها لازم است پیش از اشاره به برخی از ارقام حاصل از این سنجش نظر خواننده به یکی دو نکته مهم جلب شود.

در تصاویر MSS هر جزء تصویری یا پیکسل 60×80 متر مربع (کمی کمتر از نیم هکتار) است. از این رو در این مقیاس امکان تفکیک زمینهای بایر و در هر حال به زیر کشت نرفته محدوده‌های زراعت و باغ و یا جنگل وجود ندارد و این خود سطوح زیر کشت و جنگل را به طور تصنعی متورم می‌سازد. در واقع با اندازه‌گیری رویه‌های نقشه کاربری و پوشش «محدوده»های کاربری و پوشش به دست می‌آید نه مساحت خالص آنها. از جمله در این بررسی وسعت محدوده‌های زیر کشت و آیش آبی و دیم بر روی هم ۲۴ میلیون هکتار حساب شده است. حال آنکه می‌دانیم که در آمارگیریهای بخش، خالص مساحت متناظر هرگز بیش از

۱۸ میلیون هکتار نبوده است. شاید بتوان بخش کوچکی از اختلاف ۶ میلیون هکتاری را نتیجه «کم‌شماری» آمارهای متکی بر اظهارات پاسخگویان قلمداد کرد. اما قطعاً بیشتر اختلاف ناشی از حذف نکردن زمینهای بایر درون محدوده‌های زراعت و باغداری است. همچنین در این بررسی وسعت جنگلها و بیشه‌ها، خواه انبوه خواه تنک، ۵ میلیون هکتار و مساحت مانده‌های جنگلهای پاکتراشی شده (و به مرتع تبدیل شده) نزدیک ۸ میلیون هکتار حساب شده است. آشکار است که این رقمها مربوط به «محدوده»های جنگلی است نه خالص مساحت جنگلهایی که در واحد مساحت حداقل اصله درخت را داشته باشند.

گفتنی است که اهمیت کاستیهایی که بر شمردیم از نظر هدفهای طرح کالبدی ملی، که در رأس آن حفاظت منابع طبیعی قرار دارد، کمتر است تا برای مطالعات آماری. زیرا در هر حال ایجاد ساخت و سازهای گسترده در لابه‌لای زمینهای زراعتی، خطر تخریب آنها را دو چندان می‌سازد. پرهیز از تجاوز به تجریم جنگلها قاعداً رویشگاههای جنگلی را نیز دربر می‌گیرد، هرچند در وضع کنونی رویشگاه کم و بیش تخریب شده باشد.

با این حال مقایسه ارقام حاصل از بررسی کاربری و پوشش با ارقام حاصل از بررسی قابلیت، در نگاه اول این فکر را القا می‌کند که هم‌اکنون تقریباً بیشتر زمینهای با قابلیت آبی و دیم کشور به زیر کشت رفته است و جای زیادی برای گسترش افقی وجود ندارد. اما این تصور تمام واقعیت نیست. زیرا صرف نظر از محدودیتهایی که پیشتر، هم درباره مطالعات ارزیابی (که در جهت کمتر نشان دادن مساحت قابل کشت است) و هم درباره مطالعات کاربری / پوشش (که در جهت بیشتر نشان دادن زمینهای زیر کشت و آیش است) گفتیم، نکته مهم دیگری هم هست که باید در این مقایسه به آن توجه داشت. اگر نقشه‌های قابلیت و کاربری روی هم انداخته شوند، مشاهده خواهد شد که گاهی زمینهایی که مثلاً قابلیت کشت آبی دارند، به دلیل دسترس نداشتن به آب، به زیر کشت نرفته‌اند و در مقابل زمینهایی که از نظر موازین خاک‌شناسی قابلیت کشت آبی را ندارند، به زراعت فاریاب اختصاص یافته‌اند. به عنوان مثال در «مطالعات جامع احیا و توسعه

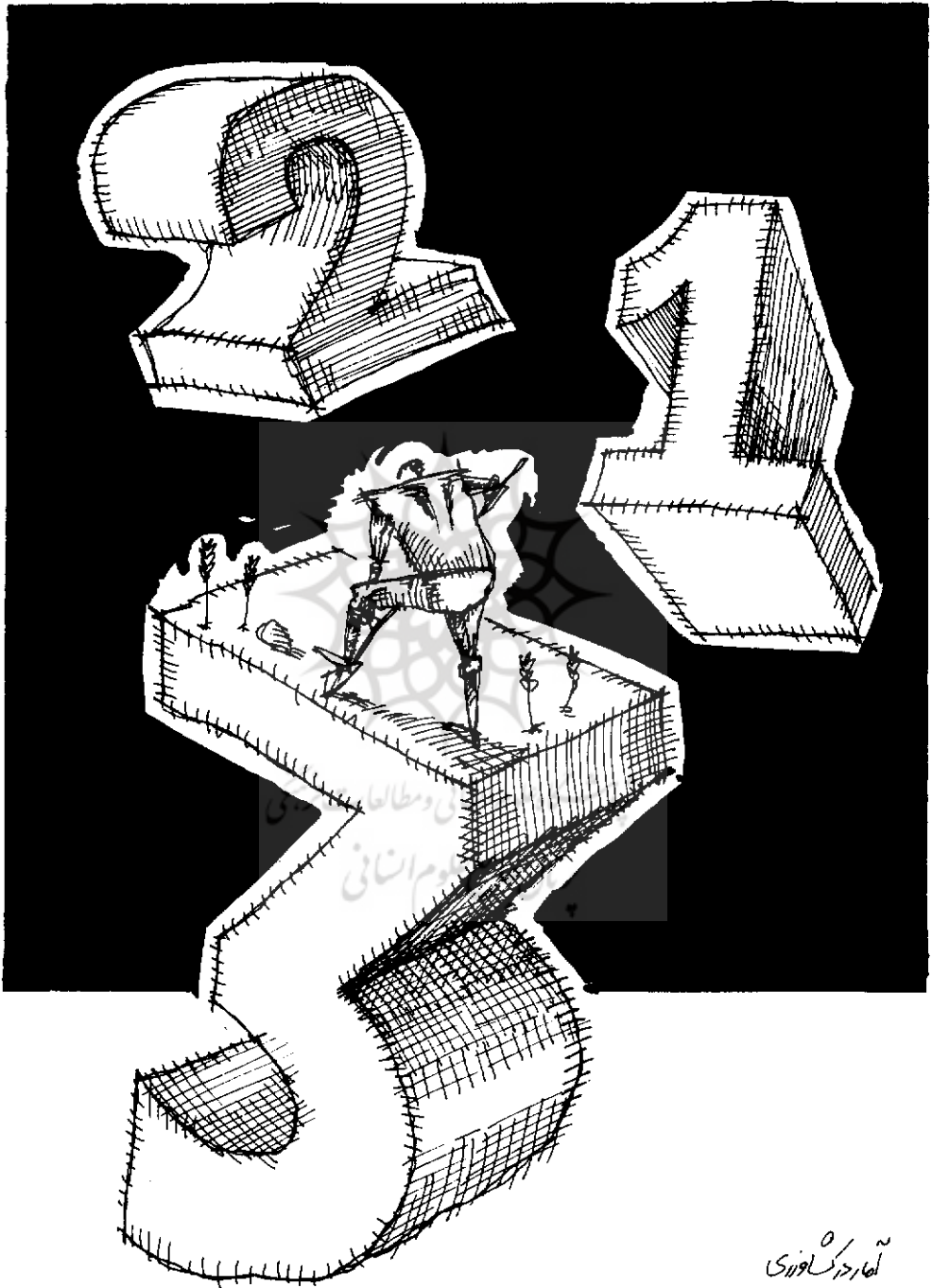
کشاورزی و منابع طبیعی حوزه آبخیز شمالی رودخانه کارون» مقابله این دو نقشه نشان داده است که "در سال بررسی با آنکه مساحت زمینهای زیرکشت آبی به ۱۹۴ هزار هکتار می‌رسید و طبق مطالعات خاک، مساحت زمینهای با قابلیت کشت آبی از ۱۵۰ هزار هکتار بیشتر نبود، به دلیلی که گذشت، هنوز جا برای گسترش افقی کشت آبی به مساحت ۴۳ هزار هکتار وجود داشت".^۲

آنچه درباره کشت آبی گفته شد، دو چندان درباره کشت دیم صادق است. اصولاً در مطالعات خاک‌شناسی به دلیل نگرانی از تشدید فرسایش خاک بر اثر شخم، زمینهای با شیب ۱۲ درصد یا نهایتاً ۱۵ درصد به بالا برای کشت دیم غلات تخصیص نمی‌یابد. حال آنکه در سراسر ایران کشت دیم در شیبهای تند رواج کامل دارد.

به هر حال وضعی که توصیف شد هشداردهنده است. گذشته از بحثهای مربوط به آمار و نقشه و سال و دقت، آنچه مسلم است این است که زمین قابل کشت و زمین با قابلیت خوب برای مرتع و جنگل، منابع بسیار محدود و گرانبهایی هستند که در مورد آنها هیچ فرصتی برای سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی نمانده است و باید نه تنها وزارتخانه‌های مسئول بخش که همه دستگاههای بخش عمومی (دولت، شهرداریها و نهادها) و نه تنها همه دستگاههای بخش عمومی که همه مردم به فکر حفاظت آنها باشند. آینده کشور در گرو این اقدام است.

گسترش شهرها

با مقدمه‌ای که چیده شد، تکلیف طرح کالبدی ملی نیز که از هدفهای آن مکانیابی برای گسترش شهرهای موجود و ایجاد شهرهای جدید و نیز پیشنهاد مقررات ساخت و ساز در کاربریهای مجاز زمینهای سراسر کشور است، روشن می‌شود. باید در این مکانیابی و پیشنهاد مقررات چنان عمل شود که از تخریب منابعی که در بالا به تفصیل درباره اهمیت آنها سخن گفتیم، جلوگیری شود.



آمار و احصاء

جمعیت شهری کشور، اگر شهر به نقاط با جمعیت ۵ هزار نفر و بیشتر گفته شود، در افق ۱۴۰۰ خورشیدی به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر یعنی متجاوز از سه برابر جمعیت شهری سال ۱۳۷۰، که ۳۲ میلیون نفر بود، خواهد رسید. پس در فاصله این دو سال ناگزیر باید حدود ۷۰۰ هزار هکتار - خواه به صورت گسترش شهرهای موجود خواه به صورت ایجاد نو شهرها - به شهرسازی جدید اختصاص یابد. این مساحت که تقریباً دو برابر مساحت همه شهرهای سال ۱۳۷۰ است، خود درخور توجه است. اما مهمتر اینکه شهرهای متوسط و بزرگ در پیرامون خود (مثلاً در شعاع رفت و آمد یکساعته) موجب تنشهای شهری چون افزایش بهای زمین، ایجاد تفریحگاه و کارگاه و به طور کلی تبدیل کاربریها، هستند. حال اگر دایره‌ای به شعاع مثلاً ۵۰ کیلومتر (فاصله رفت و آمد یکساعته با وسیله نقلیه موتوری) گرداگرد شهرهای متوسط و بزرگ ترسیم شود، تقریباً سراسر زمینهای حاصلخیز کشور درون این محدوده‌ها قرار خواهند گرفت. به سخن دیگر خطر شهرها برای زمینهای کشاورزی بیش از مساحتی است که مستقیماً به وسیله آنها اشغال می‌شود.

در مقابل، غالباً دیده شده است که کشاورزی پیرامون شهرها از نظر کارایی (بهره‌وری)، تنوع، بازار پسندی و نوآوری بهترین کشاورزیهاست. پس هتر اینجاست که ضمن برخورداری از این مزیت شهرها، کشاورزی را از گزند توسعه بی‌رویه آنها ایمن گردانیم و گسترش شهرها و صنایع را به جهاتی سوق دهیم که تخریب به حداقل ممکن تنزل یابد. مسئله از مقوله مدیریت - مدیریت خردمندانه فضا است. از ابزار این مدیریت تهیه نقشه‌های گویای کاربریهای مجاز سراسر زمینهای کشور و همت گماردن به رعایت مقررات احداث بنا در این کاربریهاست. مثلاً اگر مقرر شد که در زمینهایی که به عنوان «کشاورزی» طبقه‌بندی شده است، ایجاد مستحدمات مگر ساختمانهای وابسته به فعالیت کشاورزی و محل سکونت کشاورزان فعال ممنوع باشد و در هر حال مساحت زیربنای آنها مثلاً از ۶۰ متر مکعب در هکتار تجاوز نکند، این قاعده بی‌چون و چرا اجرا شود.

اما در برابر، برای آنکه مقررات و محدودیتهایی که گذشت به عامل بازدارنده آبادانی بویژه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مبدل نشود، شایسته است زمینهایی هم که از نظر ساخت و ساز بلامانند، روی نقشه مشخص شوند. گفتنی است که نقشه‌هایی از این دست مالا باید در مقیاس دست کم ۱:۲۵,۰۰۰ تهیه شوند تا امکان تشخیص آنها روی زمین فراهم باشد.

در راستای این هدف و به عنوان گام نخست، در طرح کالبدی ملی برپایه نقشه‌های قابلیت و کاربری، از سویی برای حذف زمینها از نظر توسعه شهری و از سوی دیگر برای رتبه‌بندی زمینهای باقیمانده از نظر اولویت برای شهرسازی، قواعدی تنظیم شد. این قواعد در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول شماره ۲: قواعد ترکیب نقشه‌های قابلیت اراضی و کاربری و پوشش زمینها

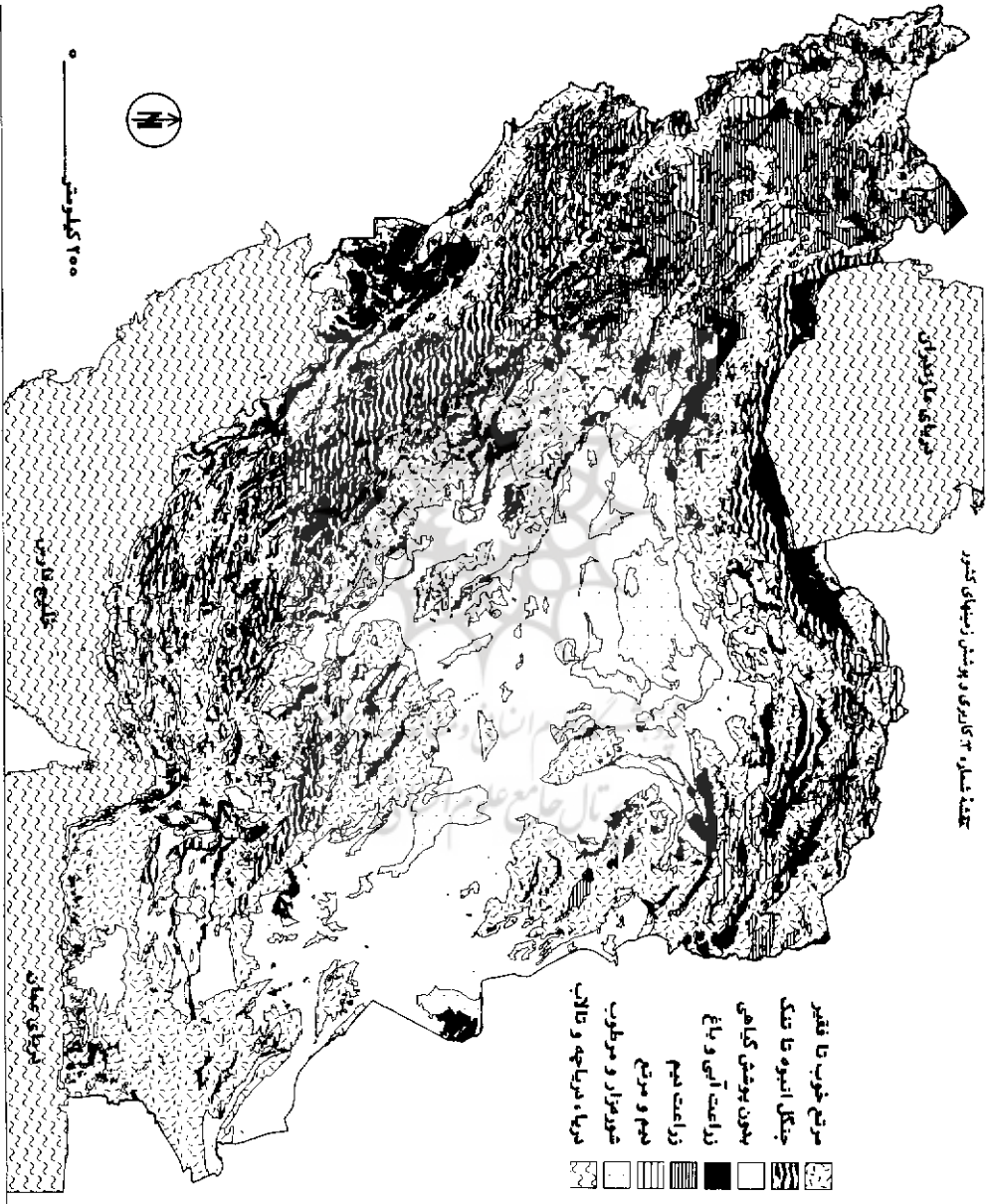
کاربری و پوشش زمینها													
قابلیت اراضی برای:	مرتع خوب	مرتع متوسط	مرتع ضعیف	جنگل انبوه	جنگل نیمه‌انبوه	جنگل تنک	زراعت آبی	زراعت دیم	باغ	شوره‌زار	شوره‌زار و باتلاق	شهر	سطوح
مرتع خوب	۱	۱	۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	۱	۱	۱	-۱
مرتع متوسط	۱	۲	۳	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	۴	۱	۱	-۱
مرتع ضعیف	۲	۳	۴	-۱	-۲	-۱	-۱	-۱	-۱	۸	۱	۱	-۱
جنگل	-۱	-۱	-۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	-۱	-۱	۱	۱
حفاظت	۱	۲	۳	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	۱	۱	۱	۱
زراعت آبی	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	۱	۲	۳	-۱	-۱	۱	۱
باغ	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	-۱	۱	۱
دبیزار	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-۱	-۱	۱	۱
بایر	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مطالعات معدنی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
سطوح آبی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

در این جدول عدد منفی (-۱) نشانه حذف زمینهاست. عدد ۱ نشانه تردید در حذف

زمینها، به دلیل ناهماهنگی میان مطالعات ارزیابی و قابلیت و کاربری و پوشش است. از این رو

این‌گونه زمینها بی‌آنکه از محدوده مطالعات منطقه‌ای^۲ حذف شوند، امتیازی نیافته‌اند. فارغ از این دو حالت، امتیاز بیشتر گواه تناسب بیشتر برای شهرسازی است. مثلاً زمینی که امتیاز آن ۱۰ تا ۲۰ است، تناسب چندانی برای شهرسازی ندارد. امتیازهای ۴۰ تا ۶۰، حاکی از تناسب متوسط و امتیازهای ۸۰ تا ۱۰۰ حاکی از تناسب زیاد است. چنانکه از جدول پیداست، در همه مواردی که طبق نقشه کاربری و پوشش زمینی در محدوده اراضی زیرکشت و آیش زراعت آبی یا باغ قرار دارد یا طبق نقشه قابلیت، برای کشت آبی - خواه زراعت خواه باغ - مناسب است، از محدوده فعالیت‌های شهری حذف شده است. همین حکم درباره زمینهایی که طبق مطالعات ارزیابی، قابلیت دیم دارند هم صادق است. درباره مراتع و جنگلها نیز کم و بیش به همین ترتیب عمل شده است. بدیهی است که برخی از ترکیبهای جدول ۳ نظری بوده وجود خارجی ندارد. حال اگر قواعد جدول در «سیستم اطلاعات جغرافیایی» اعمال شود، دو نقشه قابلیت و کاربری توسط سیستم خوانده شده، نقشه جدیدی تولید می‌شود که در آن همه قواعد جدول رعایت شده‌اند. نقشه ۴ که برای منطقه آذربایجان تنظیم شده نمونه‌ای از این دست است. حاصل اندازه‌گیری رویه‌های این نقشه را در جدول ۳ آورده‌ایم. پیداست که تنها براساس همین دو معیار چیزی حدود ۶۰ درصد زمینهای منطقه از محدوده مطالعات مراحل بعدی طرح کالبدی - مطالعات منطقه‌ای - حذف شده است. بقیه زمینها هم برحسب اولویت گروه‌بندی شده‌اند. حدود ۱۸۷ هزار هکتار یا کمتر از ۲ درصد زمینها از این نظر در اولویت نخست قرار دارند. این مساحت شایان توجه است زیرا در مجموع برای توسعه آینده شهرهای منطقه

نقشه شماره ۴: تناسب زمینهای منطقه آذربایجان برای شهرسازی براساس دو معیار قابلیت و کاربری زمینها



مساحتی معادل ۴۰ هزار هکتار کافی است. حدود ۱،۸۷۶ هزار هکتار از زمینهای منطقه نیز واجد تناسب متوسط و سرانجام ۲،۲۳۰ هزار هکتار هم بی آنکه حذف شوند، از دیدگاهی که موضوع بحث ماست، تناسب کم و بسیار کم دارند.

جدول شماره ۳: تناسب زمینهای منطقه آذربایجان برای شهرسازی

گروه تناسب	مساحت (هزار هکتار)	درصد
ندارد	۶،۳۰۵	۵۹/۵
تناسب بسیار کم	۱،۶۸۶	۱۵/۹
تناسب کم	۵۴۴	۵/۱
تناسب متوسط	۱،۸۷۶	۱۷/۷
تناسب زیاد	۱۸۷	۱/۸
جمع	۱۰،۵۹۸	۱۰۰/۰

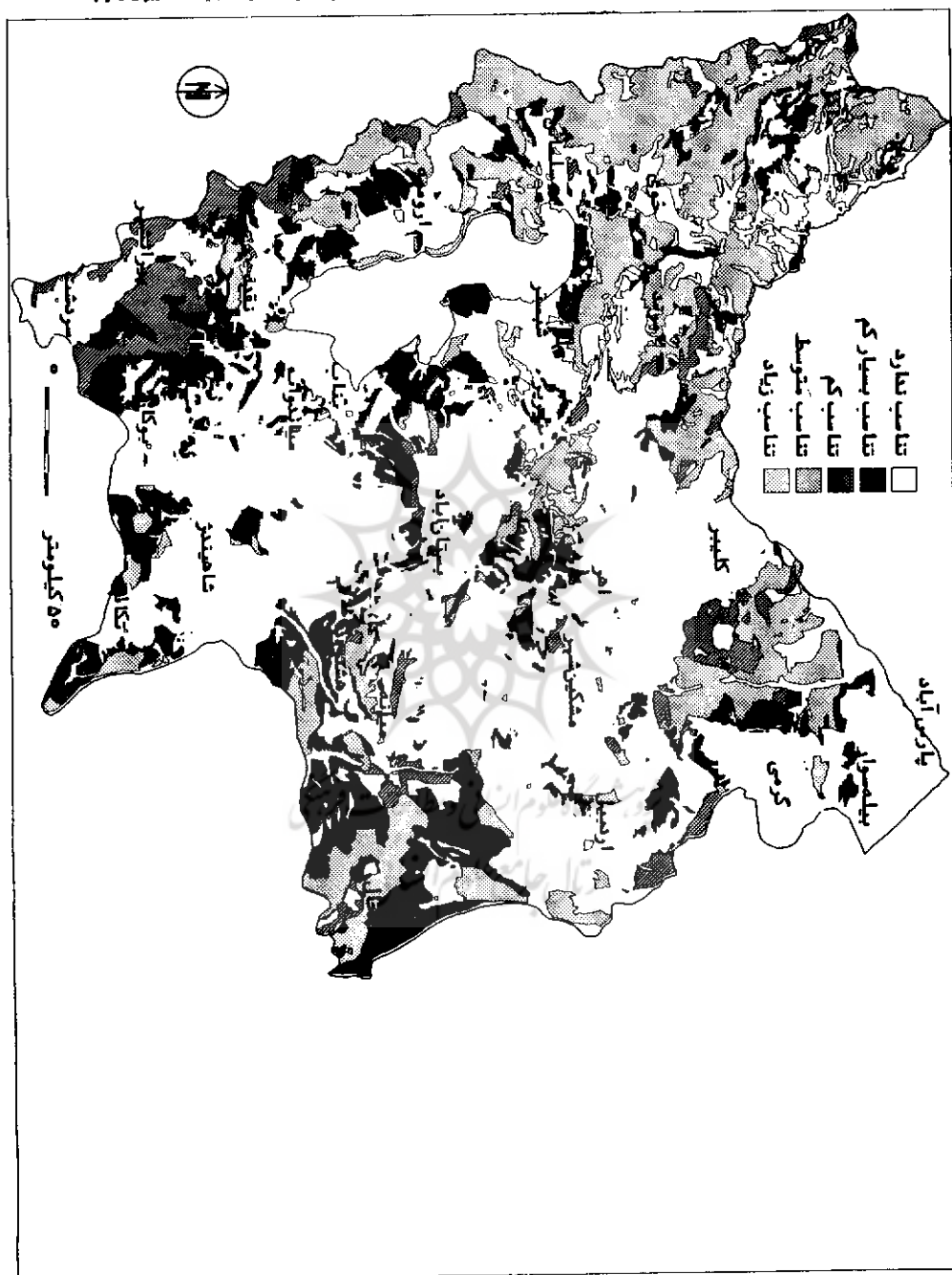
زود بگوئیم که مطالعات سطح ملی در واقع به «مکانیابی» برای توسعه شهرها نمی‌انجامد؛ بلکه حاصل آن مکانیابی برای تعیین اولویت زمینها از نظر مطالعات منطقه‌ای است. در مطالعات اخیر به دلیل محدود شدن مساحتها امکان استفاده از نقشه‌های مقیاس بزرگتر (از جمله ارزیابی اجزا واحد اراضی و طبقه‌بندی زمینها) و داده‌ها و تصاویر ماهواره‌ای دقیقتر (از جمله KOSMOS, SPOT, TM) و همچنین باز دیده‌ها و بررسیهای میدانی وجود دارد.

هم اکنون نیز در یکی از مناطق کشور مطالعات مرحلهٔ اخیر آغاز شده است. امید است که در این مرحله با هماهنگی بیشتر با سازمانهای مسئول بخش کشاورزی - وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی - نقشه‌ها و کاربریها وضع قطعیت‌تری بیابد و چه بسا به راهنمای مدیریت فضا از جمله ابزار اجرای قانون «حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها» مصوب ۳۱ خردادماه ۱۳۷۴ مبدل گردد.

ناگفته نماند که در طرح کالبدی ملی قابلیت اراضی و کاربری و پوشش زمینها تنها معیارهای تصمیمگیری نیستند. برای سرند کردن و رتبه‌بندی زمینها معیارهای متعدد دیگری چون دسترس به منابع آب و راه و شبکهٔ مخابرات، ایمنی در برابر سوانح طبیعی، اقلیم آسایش، پستی و بلندیها، سیاستهای دولت در زمینه‌های مرتبط مانند تمرکززدایی و محرومیت‌زدایی و بسیاری معیارهای دیگر نیز به کار گرفته شده‌اند که در این مختصر فرصت پرداختن به آنها نیست.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۱۱

نقشه شماره ۴: تناسب زمینهای منطقه آذربایجان برای شهرسازی براساس دو معیار قابلیت و کاربری زمینها



پانوش

۱. «طرح کالبدی ملی» عنوان مطالعاتی است که از نیمه سال ۱۳۷۰ در معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی آغاز شده و فرار است در سال جاری پایان باید، هدفهای این طرح عبارتند از یکم) مکانیابی برای گسترش شهرهای موجود و ایجاد شهرهای جدید؛ دوم) پیشنهاد شبکه شهری مناسب و سوم) توصیه چارچوب مقررات ساخت و ساز در کاربریهای مجاز سراسر زمینهای کشور.

۲. مهندسین مشاور یکم، مطالعات جامع احیا و توسعه کشاورزی و منابع طبیعی حوزه آبخیز شمالی رودخانه کارون - جلد اول، گزارش سنتز، تهران: مهندسین مشاور یکم، ۱۳۶۷، ص ۲-۳ تا ۵-۲.

۳. برای صرفه جویی در وقت، نیروی انسانی و هزینه، مطالعات طرح کالبدی به سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تقسیم شده‌اند. مطالعات ملی سراسر کشور را دربر می‌گیرد. مطالعات منطقه‌ای با مقیاس و دقت بیشتر در محدوده‌هایی که در سطح ملی مشخص شده‌اند، انجام می‌گیرد و مطالعات محلی با مقیاس و دقت باز هم بیشتر در محدوده‌هایی که در مطالعات منطقه‌ای مشخص شده‌اند، آنچه در اینجا می‌گوییم حاصل مطالعات ملی است.

یک توضیح

پس از چاپ مقاله تولید کنسانتره... در شماره قبل، توضیح زیر از طرف سازمان کشاورزی آذربایجان شرقی به دفتر فصلنامه رسید.



با سلام

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

عطف به فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۱۰ و مطلب مندرج در بخش تولید کنسانتره در ایران نوشته آقای مهندس سیروس مسعودی، مطالب مربوط به تولید سیب درختی و صنایع تبدیلی وابسته به آن در استان آذربایجان شرقی (صفحه ۲۰۰ و ۲۰۱ فصلنامه) مطالبی بشرح زیر باستحضار می‌رساند:

اولاً رقم تولید ۱۰۶ هزار تن سیب درختی مربوط به ۱۳۷۳ بوده و همانطور که استحضار دارند در سال فوق سرمای شدید بهاره در سطح استان بیش از ۵۰ درصد محصول سیب درختی را

کاهش و به سایر محصولات باغی نیز خسارت فراوانی وارد آورد ولی در سال ۱۳۷۳، میزان تولید این محصول معادل ۲۸۶ هزار تن بوده و با توجه به باروری نهالهای جوان و همچنین اجرای طرح اصلاح، احیاء و توسعه باغات سیب میزان تولید در پایان برنامه پنجساله دوم به بیش از ۴۰۰ هزار تن افزایش می یابد.

ثانیاً کارخانه نوشیران در بخش عجب شیر در واقع همان کارخانه نوشیران مراغه بوده و هر دو در اصل یک واحد با ظرفیت تولید ۲۰۰۰ تن در سال بوده و با در نظر گرفتن کارخانجات تکدانه و سه‌ده سالانه حدود ۸۰ هزار تن محصول نامرغوب و زیردرختی مورد مصرف قرار گرفته و در محصولات درجه ۱ و درجه ۲ همچنان مازاد محصول کاملاً مشهود بوده و مسلماً در سالهای برنامه دوم افزایش نیز خواهد یافت. بنابراین نه تنها کمبود محصول به هیچ وجه وجود نخواهد داشت بلکه مشکل مازاد همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

با توجه به مطالب فوق و با در نظر گرفتن آمار تولیدات زراعی و باغی در سال ۷۳، خواهشمند است دستور فرمائید نسبت به تصحیح مطالب عنوان شده در فصلنامه فوق‌الذکر دستور اقدام مساعد معمول فرمایند. ل - ۷/۲۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میرمحمد ختمی مآب

رئیس سازمان کشاورزی آذربایجان شرقی





ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی